

# آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۲۱ - سهشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۵۹ - بهای ۱۵ ریال

## بحرین بپامی خیزد

انقلاب ایران به همه جدائی‌ها پایان خواهد داد

در صفحه چهارم

نگرانی خانواده‌ها از چگونگی آغاز  
سال تحصیلی

هر تغییر زیر و روکنده‌ای را  
نمیتوان انقلابی دانست

### فاجعه بیمارستان مشهد

شخص رئیس جمهور باید که به این  
فاجعه توجه خاص بکند  
چگونه مادری پس از این میتواند فرزند  
خود را به بیمارستان بسپارد.

در انبوه خبرهای گونه‌گون  
سخنها و برخوردها، گاه  
خبرهایی به گوش مرسد، که  
فریاد درد از زرفای وجود آدمی  
به در می‌کشد.  
بقیه در صفحه دوم

### انقلاب و کارگران کشاورز

تغییر قانون کار  
کشاورزی گام مثبتی  
است در تحقیق  
خواسته‌ای کارگران.  
تعیین حداقل  
دستمزد در تنظیم  
روابط کار سودمند  
خواهد بود.

در دوران سیاه گذشته، نظام  
سلطنتی زیر سلطه بیگانه برای  
وابسته کردن هرچه بیشتر ایران  
و تامین منافع سرمایه‌داران  
وزمینداران بزرگ، کشاورزی  
سنی ایران را زیر ظاهر فربینده  
«اصلاحات ارضی» به تابودی  
کشاند و روستاهای ایران را خالی  
از سکنه کرد و بخاری سوق داد.  
جوانان روستائی به علت  
نشاشن زمین و بازار کار، خانواده  
وزادگاه خود را ترک و برای  
دستمزد بیشتری که زندگی آنان  
را تامین نماید به شهرها رو  
می‌آوردند تا در کارگاهها  
و کارخانه‌ها وبا در ساختمان  
سازی و راهسازی، شغلی پیدا  
کنند و بعضی از آنان نیز به مردم.  
روستاشیان سالم‌تر نزد  
زمینداران یا در مرغداری‌ها  
و دامپروری‌های بزرگ و کوچک  
ویا واحدهای کشت و صنعت با  
دستمزد ناچیز، کارهای گذرا به  
دست می‌آورند.

شهرهای کشور بویژه تهران، با  
نامهای رویدادهای افتخار آمیز  
تاریخی و نامداران دینی و ملی  
باقیه در صفحه سوم

شهرداری‌های کشور «نامهای  
بیانی از کسان یا واقعه‌ها که  
یاد آور روزگار اسارت ملت ایران  
بود، پاکسازی کردن و سیمای

به دنبال انقلاب بیست و دوم  
بهمن، مردم میهن ما با استکار  
خود یا از طریق «شورای  
نامگذاری» خیابانها و میدانها در

### در حاشیه تغییر نام خودسرانه خیابانهای تهران

### نام مصدق بر تاریخ ایران می‌درخشد

درهای بسته کارانی بشر است،  
به مردم استعمال‌زده کشورهای  
جهان سوم عرضه داشتند.

واره شدن مارکسیزم به این  
کشورها چونان باشارتی از صبح  
صادق و یا نوبیدی از برآمدن  
خورشید نیک بختی اعلام شد.  
بسیاری از مردم رنجیده  
کشورهای جهان سوم به آن دل  
بستند و آشکار و نهان در  
گسترش دادند کوشیدند.

متنهای مارکسیزم چونان  
نسخه‌های شفابخش درآمد و  
جوانان آنرا از این کشور بدان  
کشور برند و بسیار کسان به آن  
باور آوردند و در راهش جان  
دادند و بسیار حکومتها از آن به  
هراس افادند و در گسترش آن  
نیستی خویشن دیدند و تا آنجا  
که می‌توانستند به سیزی با آن  
برخاستند.

تلاش برخی از مردم رنجیده  
و گروههای از اندیشمدان و  
روشنگران در جهان سوم بر  
رواج دادن مارکسیزم و  
ایستادگی‌های گوناگون در برابر  
ایشان، فضای فکری سیاسی این  
کشورها را به آشنازی‌ها کشاند و  
برخوردها پدید آورد. که برای  
آنها گشاینده همه

### چین و مارکسیزم

راستی آن است که انقلاب چین از  
آغاز و در تمام فراز و نشیبهای  
خویش، انقلابی ملت گرایانه بود

از آغاز انقلاب صنعتی، غرب  
که قرار گاه آن بود برجهان آغاز  
ذهن مردم جهان اثر به جامانده  
با عنوان «فرهنگ غربی» شناخته  
شده است. فرهنگ غربی نه  
همان که شیوه زندگی صنعتی را  
عرضه داشته، و جهانیان را با  
روجیه خاص به تحریص آن  
برانگیخته، بلکه چاره ناکامی‌های  
همگانی برخاسته از زندگی  
صنعتی را نیز همراه عنصرهای  
خود ارائه می‌دارد.

مارکسیزم یکی از این

فرهنگها یا زهر کدام آثار در  
چیرگی نهاد و با شکفتتر شدن و  
بارورتر شدن آن انقلاب پایه‌های  
این چیرگی هم استوار شد، تا  
آنچه که در حدود دویست سال  
دیگر گوشهای جهان در برای  
هجم همه جانبه کشورهای

غربی بی‌دفع افتاده بود.

عنصرهای فرهنگی کشورهای  
صنعتی اروپا در دیدگان سایر  
ملتهای جهان ارزش والا بی‌یافای  
و هر کدام برای رهایی از  
دشواریهای خود به دست آوردن  
همراهی فرآوردهای صنعتی، و  
شیوه‌های تولید صنعتی به  
چهار گوشه جهان صادر کرد.

گروهی از غربیان بی‌توجه به

باز داشتن جوانان از  
تحصیل، پریشان ساختن  
آینده آنان است

### بنیادهای قانون اساسی باید جدی گرفته شود

زدودن فقرسیاه از چهره کشود  
چگونه میتوان «در فکر آنها که  
زمین فرششان و آسمان لحافشان  
است» بود.

نخست وزیر ایران، از آغاز کار خود، نشانه‌های ارائه  
می‌دهد، نه چندان امیدبخش، چرا که نتوانسته است  
هیئت‌وزیران را در مهلت مقرر در قانون اساسی معرفی  
کند.

گرچه ممکن است نخست‌وزیر چند ساعتی پس از  
نوشتن و چاپ آین مطلب به معرفی هیئت‌وزیران  
خود می‌باشد و زد و زد ولی در این کار  
پدید آمد پوشاندنی نیست.

نخست‌وزیر امکان‌های بسیار داشت تا تعهد خود را  
در معرفی وزیران بهنگام اجرا کند و بهانه‌هایی که  
براین دیر کرد، بیان می‌گردد قبل قبول نمی‌باشد و  
نگرانی اور است.

دیرتر و یا زودتر معین و معرفی شدن وزیران به  
خودی خود کاری است با اهمیت، هیچکس حق ندارد  
وقت کشور را حتی برای چند روزی تلف کند، ولی  
آنچه نگرانی می‌آورد ناتوانی نخست‌وزیر در اجرای  
تعهد قانونی خویش است.

ما در مقام عیب‌جویی واندک بینی نیستیم، در  
مقام آن نیستیم که از کاهی کوهی بسازیم و یک  
دشواری کوچک را چنان بزرگ جلوه دهیم که همه  
توانانی‌های کسان را بپوشاند. ما در داوری‌ها  
وارزش گذاری‌های خود، بیشتر مدارای ممکن را به کار  
می‌گیریم، زیرا برگاهی از کسان گرفتن و بی‌انسافانه  
برآنان تاختن را شیوه درستی نمی‌دانیم.

اگر در راههای گزینش و معرفی وزیران این چنین سخن  
می‌گوینیم برای آن است که درنگ و دیگر کرد  
نخست‌وزیر، دست کم، بی‌مبالغه در ارج نهادن به  
بنیادهای قانون اساسی است.

نخست‌وزیر پس از این، در جریان کارهای کشور با  
دشواری‌های گونه‌گون روبرو خواهد بود که در  
برخورد با آنها باید از رهنمودهای قانون اساسی باری  
گیرد.

اگر از آغاز نخست‌وزیر این تکیه‌گاه استوار خود را  
از کف به نهد و ضابطه‌های آن را جدی نگیرد، در  
برخورد با دشواری‌های گونه‌گون روبرو خواهد بود  
و کدام سند قانونی تکیه‌گاه است.

نخست‌وزیر نه همان که در شکل کار، جای ایراد  
دارد، بلکه در متن و محتوا مسئولیت‌ها هم نشانه‌های  
امیدآفرینی ظاهر نمی‌سازد.

نخست‌وزیر چند روز پیش اعلام داشت که «ما فکر  
آنها که زمین فرششان و آسمان لحافشان است  
هستیم» (اطلاعات شنبه بیست و هشتم مهرداد ۱۳۵۹).  
از این سخن نمی‌توان مسیر همه برگزاری‌ها  
و تلاش‌های نخست‌وزیر را تعیین کرد و فقط می‌توان  
چنین دریافت که نخست‌وزیر در اندیشه بی‌چیزترین  
گروههای اجتماعی کشور است و می‌توان چنین  
دریافت نخست‌وزیر می‌خواهد برس کسانی که هیچ  
ندارند، دست کم فرقه دوم

نظم و کار، پایندان پیروزی دو راه از نگاه

بقیه در صفحه ششم

# فاجعه بیمارستان

اداری ماندارد. آیا وقت آن نرسیده است که به خود ائمه و در پریشانتر کردن ساختهای اداری خود نکوشیم.

آنچه پیش از اصل خبر، در آور و تکان دهنده است: چگونگی برخورد با این رویداد است. رسانهای گروهی این فاجعه هراس انگیز راچنان نقل کردند که گوئی از یک تصادف ساده رانندگی خبر می‌دهند.

رسانهای گروهی باید در برابر این حادثه می‌خروسند و آنرا از ریشه تا هر شاخ و پرگش دنبال می‌کرند و همه مسئولان مستقیم و غیرمستقیم آنرا معرفی مینمودند ولی بدختنه چنین نکردند. آنها حتی از بیان درست روش خبر سپیچیده‌اند. چگونگی پیگیری این رویداد نیز در ابهام فرمانده است.

اما از شخص ریاست جمهوری می‌خواهیم که به این فاجعه توجه خاص بکنند و چند مامور آغاز و هشیاری برای رسیدگی سریع و دقیق به مشهد اعزام دارند و همه کسانی را که در پدید آمدن این رویداد سهم داشته‌اند شناسائی و معرفی کنند و از طریق ارگانهای دادرسی، به کیفرسرانیدن آنها را پیگیری نمایند.

این رویداد در کنار صدها رویداد ناروای دیگر، از یک حقیقت روش حکایت می‌کند، که مبانی و عملکرد و کارآئی مدیریت در میهن ما فروپاشیده است و اگر این فروپاشیدگی همچنان ادامه یابد، فاجعهای تلختر و ناگوارتر بر مارا فرود خواهد آمد.

از این رویداد، درس بگیریم و به خود آئیم و در استوار کردن و قوام بخشیدن به مدیریت تلاش کنیم.

اگر مدیریت کارآمد و صاحب احساسی در میان می‌بود، هرگز برابر این فاجعه بیان نمی‌کرد، که مغز گریه را برای تشخیص بیماری به آزمایشگاه فرستاده‌اند. اگر تدبیریت کارآمد و متعهدی وجود می‌داشت، سن کودک فاجعه دیده و ترتیب قرار داشتن بخش کودکان در بیمارستان، و راه وارد شدن گریه را به بخش بیمارستان چگونگی نگهادی از کودکان را رسیدگی می‌کرد و راه پدید آمدن اینگونه حادثه‌ها را زیبی می‌بست.

بازخواسته خودراتگرای می‌کنیم و از ریاست جمهور می‌خواهیم به خاطر حفظ حرمت حرفه پزشکی کشور در این ماجرا دخالت، جدی ننماید.

می‌شیوه که بیان زشت و رسنای آن با واژه عبارت می‌سر نیست. در میان حادثهای نیک و بد گاه حادثهای چنان ننگ‌آور و چنان شرم بار روی می‌دهد که هر انسان صاحب کمترین احساسی را سرافکنده و بهت زده می‌سازد. به این خبر توجه کنید که از روزنامه کیهان شماره ۱۱۰۷۵ تاریخ شنبه اول شهریور ۱۳۵۹ صفحه آخر نقل می‌کنیم:

«گریه هار دست کودکی را در بیمارستان خورد.»

«مشهد خبر گزاری پارس، گریهای با ورود به بخش اطفال بیمارستان امام رضای مشهد دست کودک خردسالی را که سرم به وی تزریق می‌شود از نوک انگشتان تا آرنج خورد. گزارش خبرنگار خبر گزاری پارس حاکی است که روز جمعه از سوی دادسرای انقلاب اسلامی مشهد رسیدگی به این واقعه آغاز شد و مامورین تحقیق با حضور در بیمارستان، این واقعه را مورد بررسی قرار دادند. بنابراین این خواهیم که به این فاجعه توجه خاص بکنند و چند مامور آغاز و هشیاری برای رسیدگی سریع و دقیق به مشهد اعزام دارند و همه کسانی را که در پدید آمدن این رویداد سهم داشته‌اند شناسائی و معرفی کنند و از طریق ارگانهای دادرسی، به کیفرسرانیدن آنها را پیگیری نمایند.

این خبر، پتکی است که بر فرق مدیریت ناتوان وزارت بهداری و بهزیستی کشور کوبیده می‌شود، این خبر باران شرم و تنگی است که بر نظام اخلاقی ما فرو می‌ریزد. این خبر، آوای چندش انگیز جلد ویرانی است بر این میهن ما. برما جه رفته است که این چند مدرسه‌ی خوب چه قدم مثبتی در راه بهتر شدن کیفیت آموزشی؟! جز آوازه گری برای جلوه دادن باطنی بگونه حق این کار چه معنای دیگری میتواند داشته باشد؟!

فرستاده، چه پیش آمده، که مردم و بیمداد شده است.

اگر در بیمارستان ما، گریه پتواند دست کودک بیمار را بخورد، طبیبان و پرستاران این بیمارستان، چگونه می‌توانند شب سر بر بالین نهند. و نفلام مدیریت بهداری و بهزیستی ما، چگونه می‌خواهد مردم اعتماد بی دریغ خود را به آن ابراز دارند.

چگونه پس از این مادری می‌تواند، فرزند خود را به بیمارستان بسپارد. و چگونه بیماری میتواند، در بیمارستان آرام بخوابد. چگونه می‌توان پس از این حادثه، حرمت نظام پزشکی را بر جای داشت.

آیا این رویداد نشان ویرانی حکایت از کمال پریشانی نظام

تجزیه و تحلیل فضای موجود صورت گرفت؟ کدام خشت برخشت نهاده شد؟ کدام مجموعه‌ی آموزشی برپا گردید؟ چه دگرگونی واقعی در محთای کتابها بعمل آمد؟ و برای بالا بردن سطح مهارت‌ها و تخصص‌های آموزگاران و دیگران کدام دوره آموزشی پدید آمد؟ حتی در پذیرش آموزگار و دبیر، تغییر معیارها برچه پایه‌ای قرار گرفت؟ با چنین توشهای از هزاران «نه» راه سفر پسر خطر آینده را گونه میتوان طی کرد؟!

فرزندان ما به کجا خواهند رفت؟ آیا با برهم زدن وضع انگشت شمار مدرسه‌های تجهیز شده به ابزار کار و دیگران با تعریف و دارای تخصص که درصد قبولی دانش آموزانشان تحمل نموده؟

در اینجا لازم به تذکر است که مدرسه‌های خارجی و بین‌المللی بدهی روز جزء آنسته از دادسرای انقلاب اسلامی مشهد رسیدگی به این واقعه آغاز شد و مامورین تحقیق با حضور در بیمارستان این واقعه را مورد بررسی قرار دادند. نیز مدرسه‌های این میشود؟

آنچه مورد نظر است آموزشگاه‌هایی است که بر آیند کارشان رضایت‌بخش بود و درصد قبولی دانش آموزان آنها در دانشگاه به بین‌المللی داشت. حالا بادعای همسان کردن، محروم ساختن مردم از این چند مدرسه‌ی خوب چه قدم مثبتی در راه بهتر شدن کیفیت آموزشی؟! جز آوازه گری برای جلوه دادن باطنی بگونه حق این کار چه معنای دیگری میتواند داشته باشد؟!

آنچه به نام وزارت آموزش و پرورش بگونه میراث از آن نظام اهرمینی باقی ماند، پس از انقلاب ضرورت داشت زیر و رو گردد، با دقت و با استفاده کشوری حیاتی است و رسالت آموزش آماده‌سازی فرزندان بیک کشور می‌باشد برای تصدی همه شغل‌هایی که وجود دارد و باهی دلیل ضرورت‌ها و پیشیرفتها در آینده بوجود خواهد آمد و بی‌توجهی به این رسالت، تسلیم بی‌قید و شرط جامعه به رویدادها و خلع‌سلاخها اینها در نتیجه آماده‌ساختن یک ملت برای پذیرش سلطنه بیگانگان است

بی‌گمان این نمیتواند مورد پذیرش همچ ایرانی درست آندیش و ضد استعمار باشد!

هر ملتی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و نیازهای تاریخی خود هدفهای دراز مدتی دارد که در تدوین چگونگی برنامه‌ها و کوشش‌های نهادهای آموزشی انعکاس می‌باید.

بدینگونه مدرسه همچون یک واحد کامل، باید حق و توانایی آنرا داشته باشد که به اندازه گنجایش خود مردم را برای آموزش فراخواند و استعدادهای کشور پرورش دهد. آیا برای ایجاد چنین واحدهای سازنده و پویایی براستی، لحظه‌ای اندیشه شده است تا چه رسد به گامی برداشتن؟

دریافتی بوده و هست که هیچکس آنرا انکار نمی‌کند ولی این جای گرفته‌اند، دگرگونی پدید آید زیرا آنچه به نام وارت درگیری‌های بدشای دچار شدید و داشت امور دچار تفرقه. سال گذشته سیاری از مدرسه‌های پر محیط به حکم درگیری‌های بدشای دچار شدید و داشت امور تیغ بازنیستگی سیاری از دیگران با تحریه وه حکم ساقه ناسازوار با کاربرد رور را از صحنی عمل دور کرد و آنها که قابل تحمل تسریع بودند، دچار جایگاه محل کارشند و چون هیچ اعتراض نسبت به تصمیم گیری‌های ناگاهانه و نادرست و گاه طالمانه انجام نگرفت، خوش‌بینانه گمان رفت که طرح‌ها و عملکردها مورد پذیرش جامعه قرار گرفته است. حال آنکه نبود اعتراض نه بخطار سودمند و اقلاقی بودن رفتارها، که بخطار روح احتیاط حاکم بر کسانی بود که شغلشان اساس گذران زندگی آنها و دستشان زیر ساطور دولت است. روش است که مدرسه‌های موجود در سراسر ایران، جلوه گاهی از بودها و کمبودها هستند. نبود تعهد نسبت به سیما و سرنوشت داشت آموزش نبود و سعدیت بررسی نهایت پذیرفته بود. اگر میزان تولید کشور همچنان کاهش یابد، شماری از کسانی کسانی هم که زیرانداز و رانداز گونه‌ای دارند، به زودی به جمیع بی‌چیزیان «بی‌فرشان و بی‌لحفان» بپیوند.

عرضه داشتن روانداز برکسانی که «لحافشان آسمان است» منوط به آن می‌باشد که کشت‌گاههای پنهانه و سعت یابد، و کارگاههای پنهانه پاک کنی و پارچه بافی فزونی گیرند و سیله دوخت و تهیه لحاف زیادتر گردد و کارگرانی ماهر به بافت پارچه و دوختن لحاف گمارده شوند و شبکه تراویه کشور آن اندازه وسعت و قدرت بیاند که پنهانه ها و پارچه‌ها و لحافهای تولید شده از کشتزار به کارگاه ریسنگی و بافنده‌گی حمل شود و پارچه فراهم آمده از کارگاه ریسنگی و بافنده‌گی به کارگاه لحاف دوزی برد و در آنچه به دست کارگرانی که آموزش لحاف دوزی دیده‌اند به لحاف تبدیل شود. وسیله باز هم به سیله شبکه سینگین تراویه لحاف‌ها در سطح کشور توزیع گردد.

اینهمه فقط در جهت فراهم آوردن روانداز برای مردم است و اگر زیرانداز برکسانی که «فرشان زمین است» نیز باید عرضه کرد، تدارکهای همانندی ضرورت دارد. ولی آیا بآفرارم آوردن روانداز و زیرانداز همه دشواریها را باید حل شده تلقی کرد؟ بی‌گفتگو به دست کارگرانی پذیرش همچ ایرانی درست کارهای فراهم

نگست وزیر خوب میداند، برای آنها که «آسمان لحافشان و زمین فرشان» است باید کارهای فراهم آورد که جز از طریق تنظیم و اجرای برنامه‌های وسیع آموزشی، تولیدی و عمرانی شدنی نیست.

آیا تهیه کردن و به اجراء گذاشتن چنین برنامه‌هایی که کارشناسان خبره برنامه ریزی و اقتصاد دان و جامعه شناس نیاز است.

از بیان از میان استناد فقر سیاه چه تدبیرها و سیاه از سراسر کشور می‌باشد و این نظر بسیار ستونی است و همه آن را تأیید می‌کنند.

ولی باید دانستار میان برداشتن فقر سیاه چه تدبیرها و سیله‌ها و شرایط پیچیده و پیشرفت‌های فنی و اقتصادی و اجتماعی لازم دارد. کمترین و ساده‌ترین کار در این زمینه تربیت معلم‌های فنی است ولی به موجب خبر روزنامه کیهان یکشنبه دوم شهریور ۱۳۵۹ «انستیتوهای تکنولوژی و تربیت معلم فنی یکسال تعطیل شد». با این ترتیب چگونه می‌توان به فراهم آمدن ساز و برگ زندگی برای تهیه‌دان امیدوار بود. همه چیز پیچیده‌تر از آن است که در نخستین نگاه به نظر می‌رسد و از میان برداشتن فقر سیاه در ایران، به تنظیم اجرای برنامه‌های وسیع آبادانی و توسعه نیاز دارد و آنها به صرف داشتن احساسات بشروط‌دانه و نیت خیرخواهانه میسر نمی‌شود، زین قصه هفت گنبد افلاک پرصداست.

## نگرانی خانواده‌ها

دریافتی بوده و هست که هیچکس آنرا انکار نمی‌کند ولی این جای گرفته‌اند، دگرگونی پدید آید زیرا آنچه به نام وارت درگیری‌های بدشای دچار شدید و داشت امور تیغ بازنیستگی سیاری از دیگران با تحریه وه حکم ساقه ناسازوار با کاربرد رور را از صحنی عمل دور کرد و آنها که قابل تحمل تسریع بودند، دچار جایگاه محل کارشند و چون هیچ اعتراض نهایت پذیرفته بود. اگر میزان تولید کشور همچنان کاهش یابد، شماری از گونه‌ای دارند، به لحاف شنیدن در کل دستگاهی که می‌گردند نیازمند نیز است. نیز میزان فعالیت این دستگاهها محدود است.

ولی این نیت نخست وزیر، پر ارج است و همه وفاداران به

انقلاب در اجرای این نیت خیرخواه وی هستند.

ولی در اندیشه بی‌چیزیان بودن ویه حال آنان افسوس خودن و بیشترین توجه ممکن را به ایشان داشتن، هیچ

دشواری تهیه‌دان و برگانی آن را زمین برمی‌دارد.

دشواری تهیه‌دان و برگانی آن را زیرانداز و ورانداز ندارند آنگاه بر طرف می‌شود که تولید پارچه وینبه را می‌باشد و هدفیت بررسی. اگر میزان تولید پارچه وینبه را می‌باشد و هدفیت را فرازیش ندهیم، نخواهیم توانست به این گروه جیزی از مقغان کنیم، و اگر میزان تولید کشور همچنان کاهش یابد، شماری از کسانی کسانی هم که زیرانداز و رانداز گونه‌ای دارند، به زودی به جمیع بی‌چیزیان «بی‌فرشان و بی‌لحفان» بپیوند.

عرضه داشتن روانداز برکسانی که «لحافشان آسمان است» منوط به آن می‌باشد که کشت‌گاههای پنهانه و سیله داشتن روانداز و زیرانداز همه دشواریها را بین‌المللی و نیاز است. این چهار گاه فراهم آمده از کارگاه ریسنگی و بافنده‌گی و با هدفیت و تهیه لحاف زیادتر گردد و کارگرانی ماهر به بافت پارچه و دوختن لحاف گمارده شوند و شبکه تراویه کشور آن اندازه وسعت و قدرت بیاند که پنهانه ها و پارچه‌ها و لحاف‌ها در سطح کشور توزیع گردد.

اینهمه فقط در جهت فراهم آوردن روانداز برای مردم است و اگر زیرانداز برکسانی که «فرشان زمین است» نیز باید عرضه کرد، تدارکهای همانندی ضرورت دارد.

ولی آیا بآفرارم آوردن روانداز و زیرانداز همه دشواریها را باید حل شده تلقی کرد؟ بی‌گفتگو به دست کارگرانی که آموزش لحاف دوزی دیده‌اند به لحاف تبدیل شود. وسیله باز هم به سیله شبکه سینگین تراویه لحاف‌ها در سطح کشور توزیع گردد.

نخست وزیر خوب میداند، برای آنها که «آسمان لحافشان و زمین فرشان» است باید کارهای فراهم آورد که جز از طریق تنظیم و اجرای برنامه‌های وسیع آموزشی، تولیدی و عمرانی شدنی نیست.

آیا تهیه کردن و به اجراء گذاشتن چنین برنامه‌هایی که کارشناسان خبره برنامه ریزی و اقتصاد دان و جامعه شناس نیاز است.

از بیان از میان استناد فقر سیاه چه تدبیرها و سیله‌ها و شرایط پیچیده و پیشرفت‌های فنی و اقتصادی و





# بحرين بپامی خیزد

انقلاب ایران به همه جدائی‌ها پایان خواهد داد

خورشیدی برابر با ۱۹۳۲ میلادی که استخراج نفت در بحرین آغاز شد، تمام اختراض‌ها و فریادهای ایرانیان بویژه مردم بحرین نه تنها برای انگلستان بمعنی تلقی گردید بلکه پرونده بحرین در زمرة «بروندهای راکد» وزارت امور خارجه بریتانیا قرار گرفت!

طی این مدت از کار بدستان دولتی ایران فقط شعارهای مردم شنیده میشد از این‌گونه که «بحرين جزء لاینفک ایران است» یا «بحرين ملک طلاق ایران است» اما جز یکبار تخفیف بهای تمیر نامهای ارسالی به بحرین یا خواهش دولتی از دولت پاکستان در دعوت نکردن شیخ بحرین برای شرکت در «کنفرانس اقتصادی» کراچی یا اختراض به «اتحادیه بین‌المللی پست» حرکت دیگری نشان داده نشد.

دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران پس از پایان دادن مساله نفت در خط احراق حق حاکمیت ملی ایران در بحرین و دیگر جزیره‌های ایرانی خلیج بود، دولتش توسط همان استعمار گران جهان‌خوار ساقط گردید و این آرزوی ملی که میرفت با استقبال این‌جا به بحرین پس از سفر اندیشی در درست‌ترین شکل سیاسی و مبارزاتی تحقق یابد، بمرحله عمل نزدیک گردید. پس از کودتای ۲۸ مرداد، شاه دس نشانده دولتها و ابسته‌اش گهگاه با ایجاد جو تبلیغات تصنیعی از بحرین بگوئه «استان چهاردهم» نام برداشت و در عمل سطوریکه مشاهده خواهد شد زمینهای لازم را برای جدائی رسمی بحرین از ایران با نوعی رفاندوم فراهم ساختند.

\* \* \*

#### وضع اجتماعی و سیاسی

در ابتدای سلطنت قاجاریه جمعیتی اندک از مردم ایران در منامه اقامیت داشتند که با بومیان عرب زبان یا مهاجران طبیعی عربستان در صلح وصفاً بسر می‌بردند و حاکمان این مجمع‌الجزایر نیز بیشتر از استان فارس بدان منطقه می‌رفتند و با کمک افراد محلی حکومت می‌راندند. هم‌زمان با نفوذ استعمار در سرتاسر خلیج فارس، خانواده‌ای از عربهای عتوی (آل خلیفه) به بحرین مهاجرت کردند و اندک از این در جمیعت ایرانی ساکن آنجا ادغام شدند و بمرور توانستند به مقام حکمرانی نیز برسند.

از سال ۱۸۲۰ میلادی با قرار گرفتن قبیله آل خلیفه در خدمت امپراتریالیسم انگلستان، قدرت بیشتری برای مهاجران جدید فراهم گردید.

استعمار که از ابتدای سلطنه خود قصد تصرف بحرین و جدائی آنرا از ایران در سرمی‌پروراند به چندین حیله «دموگرافیک» دست زد.

- از مهاجرت دیگر ایرانیان از کارهای شمالی خلیج فارس به بحرین جلوگیری بعمل آورد.

- تسهیلات لازم را برای مهاجرت عربهای به بحرین فراهم کرد.

- تا آنجا که می‌توانست کوشش بعمل آورد تا عربهای شیعی به بحرین مهاجرت ننمایند.

- در ارتباط نهادهای مذهبی شیعی بحرین با ایران و عراق خدشه وارد ساخت.

- از گسترش مدرسه‌های ایرانی و آموزش‌های فارسی و نشر فرهنگ ایرانی جلوگیری کرد. در نتیجه این سیاست استعماری، منطقه‌ای ایرانی نشین با اقلیت عرب زبان می‌رفت تا به صورت جزیره‌ای عرب نشین با اقلیت فارسی زبان در آید و از لحاظ مذهبی نیز شیعیان دیگر اکثریت جامعه بشمار نیایند.

در سال ۱۹۷۰ میلادی (۵۰-۴۶ شمسی) جمیعت بحرین به دویست و بیست هزار تن رسید که اکثریت عرب زبان و اقلیت فارسی زبان بودند اما در اکثریت عرب زبان پخش عددهای شیعی بودند که با فارس زبان پیوند بیشتری داشتند تا با عربهای اهل تسنن و سینیان فارس زبان نیز که به شیوه‌های مختلف از جنوب ایران به بحرین مهاجرت کرده بودند، با فارس زبان شیعی بیشتر احساس یگانگی داشتند تا با سینیان عرب زبان. دیگر بقیه در صفحه پنجم

بهمن دلیل در معاهده دریائی دیگری که میان شیخ‌های خلیج فارس در سال ۱۲۵۱ قمری برای بحرین ۱۸۳۵ شرکت ندادند.

شیخ محمد بکم برادر شیخ علی فرزند آل خلیفه که در سال ۱۲۵۸ قمری حکومت بحرین را بدلست گرفته بود، در سال ۱۲۶۳ قمری برای ۱۸۴۷ جلوگیری از برد فروشی، دست استعمار گران را در تصرف این جزیره بازتر کرد. سیاست امیر کبیر در خلیج فارس بویژه طرح مبارزه با برد فروشی بالهای از تعالیم اسلامی، مدت کوتاهی از توسعه طلبی استعمار انگلستان جلوگیری بعمل آورد اما پس از شهادت آن سردار میهن دوست و آگاه ایران، دوباره استعمار گران بتکاپو افتادند و سرانجام در تاریخ ۱۲۷۸ قمری برای ۱۸۶۱ میلادی بهانه جلوگیری از دزدی و تعریضهای دریائی معاهده دیگری را بر شیخ محمد تهدید کرد که بحرین را از هر نوع دستبردی مصون دارند!

شیخ محمد با اینکه زیر سلطه استعمار گران کمیانی هند شرقی قرار گرفته بود، اما نمی‌خواست همه رابطه‌های خود را با ایران قطع نماید، انگلیسها که بدنیال شیخ دست نشانده‌تری بودند، در سال ۱۲۸۵ قمری برای ۱۸۶۸ میلادی بکم کشته‌های جنگی خود زیر نظر کلنل پسیلی به بحرین حمله کردند و پس از گلوله باران کردن قلعه ابی ماهر و برکنار کردن شیخ محمد ویائین اوردن پرچم ایران ویرگزیدن شیخ علی به حکومت بحرین، برغم تمام معاهده‌ها، این جزایر همیشه ایرانی را زیر سلطه خود قرار دادند.

با اینکه دولت ایران به این تصرف اعتراف بعمل آورد و در ۱۷ مهر ۱۲۶۹ دولت انگلستان در جواب اعتراض «بار اوریل ۱۸۶۹» دست نشانده کرد، اما حرکت عمده‌ای طی تاریخ سلطنت قاجار در راه اعمال این حق بعمل نیامد.

در سرتاسر سلطنت رضاخان فقط مقداری تعارف‌های دیپلماتیک و میان‌تهی میان ایران و انگلستان رد و بدل گردید و از سال ۱۳۱۱

«اگر در بحر العجم (خلیج فارس) دولت علیه ایران را مدداد ضرور شود دولت بهیه انگلیس بشرط امکان و فراغ بال در آنوقت کشته جنگ و قشون بدهند و اخراجات آنرا موافق برآورد آنوقت، قطع و فصل کنند و بازیافت نمایند و کشتهای مذکور بر آن خورها و لنگر گامها عبور کنند که اولیای دولت علیه ایران نشان دهند و از جای دیگر بی‌رخصت و ضرورت عبور ننمایند»

در دفصل دوم همین معاهده تصریح شده است: «پادشاه والا جاه انگلیس قرارداد می‌نماید که اگر برسر امور داخله مملکت ایران فیما بین شاهزادگان یا ملراء و سرداران مناقشی روی دهد دولت بهیه انگلیس را در آن میان کاری نیست تا پادشاه وقت خواهش نماید و احیاناً اگر احدی از مشارکیم ولایتی و جائی از خاک متعلقه به ایران را به آن دولت سهمه بدهند که بازاء آن کمک و اعانتی نمایند هرگز دولت بهیه انگلیس باین امر اقدام نکرده بپردازمن آن نخواهند گشت و دخل و تصرف در مالک متعلقه بایران ابدأ نخواهند کرد».

با اینکه در این معاهده بظاهر حق حاکمیت ایران بر سرزمینهای خود در خلیج فارس میراعات گردیده است، اما استعمار بریتانیا که هیچگاه پای بند معاهده‌ای دیپلوماتیک نبود، نه تنها به مفاد این قرارداد توجه نکرد، بلکه آنرا مقدمه‌ای دانسته در تاریخ ۲۲ ربیع الاول ۱۳۳۵ قمری برای با هشتم زانویه ۱۸۲۰ میلادی، به بهانه سرکننه، اعراب جواسم با همه شیخهای خلیج فارس از جمله شیخ سلمان آل خلیفه حاکم بحرین، قرارداد جدگاهی از منعقد ساخت، این قرارداد که با انگلیسها اجازه میداد در منامه، آن جزیره ایرانی دفتر نمایندگی و قشون داشته باشند کاملاً برخلاف مفاد قراردادی بود که شش سال پیش از آن با تفعیلیاه بسته بودند.

در معاهدۀ دیگری بتأثیر ۱۲ ذی الحجه ۱۲۳۷ قمری برای ۳۰ اوت ۱۸۲۲ میلادی میان ایران و انگلیس که با مضای حسینعلی میرزا فرمانفرما والی فارس و ولی‌امام پروس نماینده حکومت هند بریتانیا در خلیج فارس، رسید، انگلیسی‌ها بار دیگر بطور تصریح واضح بحرین را ملک ایران شناختند و کیلومتر مربع نوشته‌اند. فاصله بحرین با احساء در عربستان سعودی بیست کیلومتر و با قطر هجده کیلومتر است. بخش‌های شمالی جمیعت را داشته، دارای آب فراوان و زمینهای حاصلخیز می‌باشد و مراتعهای خرم و نخلستانهای خیال‌انگیز بحرین در همین ناحیه قرار دارند.

در این خطه، که باحتمال گرم‌ترین و مرطوب‌ترین نقاط جهان است. خرما و موز و انار و آنچه و برخی سبزی‌ها به عمل می‌آیند که اساسی‌ترین درآمد کشاورزی مردم بوده است و هم‌زمان با صید مروراید و ماهی و صنایع دستی بومی از جمله قایق سازی و فروش آن بدیگر سردم ساحلها و سایر درآمدهای بارز کانی بعلت موقعیت خاص جغرافیائی ساخت اقتصاد سنتی مجتمع الجزایر ترسیم گردیده است.

\* \* \*

#### سلطه استعمار در بحرین

بحرين که در گذشته ازهه هزار سال پیش، تادوران اسلامی و از آن روز گار تازمان سلطنه استعمار گران حرکت‌های سیاسی و فرهنگی و مذهبی زیادی از مردم شناسی این را گشته، پس از پیمانهای سیاسی و فرهنگی اینگیز استعمار روبرو شد. با اینکه در زمان نادر و کریم خان زند کوشش‌هایی جهت قلع و قمع عوامل انگلیس در خلیج فارس بعمل آمد، امادر دوران آشوب کمپانی هندشرقی باداشتن ناوگان جنگی و بر نامهای نظم یافته استعماری چه بنام بازرگانی و چه بمرور بنام «مساره بارزه بارده فروشی» توانست نقاط حساسی را در خلیج فارس و جزایر آن از جمله بحرین زیر سیطره خود بگیرد. یکی از معاهدهای فتحعلی شاه قاجار با سفیر انگلستان بتأثیر ۱۲ ذی الحجه ۱۲۲۹ قمری (برابر ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴)، در دفصل یازدهم چنین آمده است.



تظاهرات علیه شکنجه و کشته، در برآبر سفارت بحرین در تهران

ظهر روز سه شنبه هفته گذشته، شهادت «کریم حبشه» بود که سخنرانی در مورد چگونگی تجاوزهای دولت در آئین چهل‌مین تهران، پس از این جمیعت را در مقابل سفارت راهپیمایی و احتجاجی می‌داند. روز شهادت مبارز دیگری بنام «جملی علی» دستگیر و در زیر کردند. بحرین در تهران به نماز جماعت شکنجه به شهادت رسیده بود. ایستادند. این راهپیمایی و

**در بند کشیدن آزادی، قنایه‌های اش فقراندیش و اخلاق است.**

اجتماعی باشد. این خودآگاهی ملی؛ برغم سیاستگریهای سلطه‌گرایان «انتر ناسیونالیستی» اعم از نوع سرمایه داری یا نوع اشتراکی، می‌تواند موجب نزدیکی ملت‌های زیر سلطه بویزه «امت اسلام» باشد و بی هیچ تردید در بازگشت به خود و فرهنگ خود، نقش انقلاب ایران اشکارتر خواهد گردید.

در جهان اسلام با اینکه جنبش‌ها و حركت‌های سیاسی در پیوند با عقیده‌های مذهبی بوده است، اما «استبدادهای سیاسی و اقتصادی» بـویزه در کشورهای غیر شیعی توanstه‌اند، گهگاه نهادهای دینی را بخدمت خود در آورند و در نتیجه «استبداد روحانی» با کردارهای «مفتیان اعظم» یا «عاظط‌السلاطین» گره دیگری بر کارهای مردم افزوده باشد و اگر رهبری از میانه آنان بر میخاست بعلت عدم شناخت کافی نمی‌توانست همه گاه برد لازم را داشته باشد و بی‌آنکه در سطح ملی حرکتی بوجود آورد، در همان سطحهای محلی به تزلزل می‌گرائد. اما حرکت مردم میهن ما بربری امام خمینی و تجلی انقلاب اسلامی ملت ایران و تداوم آن بـویزه در خط سیر مبارزات ضد امپریالیستی، آنهم علیه آمریکای جنایتکار نه تنها روحیه نوین و امید آفرینی در تمام منطقه بوجود آورده است، بلکه بر غم «کوتاه آمدن» ها و «مصلحت اندیشه» های بعضی از «علمای محافظه کار جامعه‌های اسلامی» برای توههای در بند و مستبدیه جهان اسلام، امام خمینی بگونه مظہر پایداری و امید و حرکت شناختی شده است و همین امر خود میین حقانیت جهانگستری انقلاب اسلامی ملت ایران می‌باشد.

مردم بـحرین، اعم از شیعی یا سنی و در میان آنها، فارس زبان یا عرب زبان چه اکثریت روسانشین و چه اقلیت شهرنشین، از فردای انقلاب، خود را در حرکت ملت ما میگانه و انباز دانسته، بارها در خیابانهای منامه و محرق و سترة و روستاهای دور افتداده و سوزانی که نخلستانی کوچک، مردمش را با خاک پیوند داده است، به نمایش‌های سیاسی در تعجیل ملت ایران پرداخته‌اند و همه گاه با یورش امنی و «شرطه» های شیخ آل خلیفه روبرو گردید، بد، در همه نمایش‌ها و راهپیمایی‌ها، مردم سپاهانسته بـحرین، از امام خمینی بگونه تنها رهبر انقلاب، برده‌اند، در همه گرددهای اینها، همه مردم از هر مذهب و هر زبان شرکت داشته‌اند و هر گروه به نوعی خواسته‌ای قلبی خود را بیان داشته است. فارس زبانان فریاد کشیده‌اند:

نهضت ماحسینی است

ایام ما خمینی است

و عرب زبانان شعار داده‌اند:

جهاد نا خسینی

اما ملنا خمینی

شیخ آل خلیفه و همدستانش از فردای انقلاب، بـحرین را بصورت پایگاه «ضد انقلاب» درآوردند. هم اکنون قشون رزم‌منهای از امریکاییان با آخرين نوع سلاحهای جنگی کمین کرده‌اند تا به میهن ماسا زیر گردند و آشکار گردیده که باحتمال زیاد هواپیمای سرنگون شده در طبس از فرودگاه منامه برخاسته است.

گروهی از واستگان سواک و آرتیشن فاری، که در شیخ نشینهای خلیج فارس بسر می‌برند،

اعلیمات لازم را از بـحرین می‌گیرند.

این کشور استعمـار ساخته و «جدید الاستقلال»! بگونه یکی از کارونهای اصلی ضد فلسطینی درآمده است و در سرکوبی مردم، هم پیمان بگین و سادات، مردم را در «روز قدس» به آتش و خون کشیده است «جبهه اسلامی آزادی

بخش بـحرین» طی اعلامیه‌ای که در روزهای مردم بـحرین به انقلاب اسلامی ملت ایران نشر داده است می‌نویسد:

«برای امام خمینی کبیر همه بلاه را به جان خریده‌اند» و اضافه میکند:

بـقیه در صفحه ۳



## بحرين بـا می خیزد

فاتحونم بعد بهم الله بـلـيـكـم و بـأـنـهـم و بـنـصـرـكـم عـلـيـهـم



گـیـچـیـارـوـیـ اـیـتـالـیـائـیـ نـمـایـنـدـهـ سـازـمـانـ مـلـلـ مـسـتـحدـ بالـاقـامـتـ درـ هـتـلـیـ درـ منـامـهـ وـ گـفـتـگـوـیـ اـیـنـکـهـ بعضـیـ اـزاـهـالـیـ شـهـرـ،ـ زـیـرـنـظرـ گـمـاشـتـگـانـ شـیـخـ بـحرـینـ،ـ بـلـدـونـ بـکـارـ بـوـدنـ سـیـسـتـمـ «بـازـیـ» مـوـرـدـ موـافـقـتـ شـوـرـوـیـ هـمـ قـرـارـ گـرفـتـ وـ شـفـقـاتـ اـنـگـیـزـرـ اـینـکـهـ هـمـزـمـانـ بـاـ تـقـدـیـمـ طـرـحـ «رـفـانـدـوـمـ درـ بـحرـینـ» بـهـ مـجـلـسـ فـرـمـایـشـیـ شـاهـ مـخـلـوـعـ تـوـسـعـ عـاـمـ بـلـدـنـ «سـیـاـ» اـرـدـشـیرـ زـاهـدـیـ درـ فـرـورـدـنـ مـاهـ ۱۳۴۹ـ خـورـشـیدـیـ،ـ نـخـسـتـ وـزـیرـ مـدـدـوـمـ عـبـاسـ هـوـیدـاـ درـ جـزـیـرـهـ خـارـکـ بـاـنـقـاـنـ بـادـ گـورـنـیـ صـدـرـ هـیـاتـ رـئـیـسـهـ شـوـرـاـیـ اـتـحـادـ جـمـاهـیرـ شـوـرـوـیـ سـوـسـیـالـیـسـتـیـ مـشـغـولـ حـلـ وـ فـصـلـ «مـسـالـمـ آـمـیـزـ» اـمـرـوـرـیـ اـقـصـادـیـ بـوـدـنـ.

اما بـسـیـارـ روـدـتـ اـرـجـهـ گـمـانـ مـیـرـفـتـ آـشـکـارـ شـدـ کـهـ اـدـارـهـ نـظـامـیـ فـدـرـاسـیـوـنـ شـیـخـ نـشـیـهـاـیـ خـلـیـجـ فـارـسـ رـیـرـنـظـرـ اـفـسـرـانـ اـنـگـلـیـسـیـ اـسـتـ وـ پـارـهـایـ اـزـ بـیـرـهـایـ اـنـظـامـیـ اـنـگـلـسـتـانـ درـ خـلـیـجـ فـارـسـ باـقـیـ مـیـانـدـ وـ کـارـ بـدـسـتـانـ اـرـتـشـ بـرـیـتـانـیـاـ درـ خـلـیـجـ فـارـسـ بـرـتـامـ مـانـوـرـهـایـ درـ بـرـیـائـیـ وـ هـوـائـیـ وـ هـوـائـیـ زـمـینـیـ رـجـیـرـهـاـنـ تـنـاظـرـ مـسـتـقـیـمـ دـارـدـ. بـدـیـگـرـ سـخـنـ مـعـلـوـمـ شـدـ،ـ اـیـنـ «حـرـیـفـ کـهـنـهـ کـارـ» نـهـ تنـهاـ بـایـنـ زـوـدـهـاـ خـلـیـجـ فـارـسـ رـاـ رـهـاـ نـمـیـ کـنـدـ بلـکـهـ بـاـ طـرـحـ «مـسـالـمـ آـمـیـزـ» اـمـرـیـالـیـسـمـ اـمـرـیـکـاـ نـیـرـ درـ خـلـیـجـ فـارـسـ صـاحـبـ قـدـرـتـ نـظـامـیـ وـ سـیـاسـیـ اـقـصـادـیـ بـیـشـتـرـیـ شـدـهـ اـسـتـ (ـالـوـمـونـدـ ۷ـ زـانـوـیـهـ) ۱۹۷۲ـ.

مردم بـحرـینـ کـهـ بـیـشـتـرـ اـرـ حـکـومـتـ شـاهـ خـیـانـتـکـارـ نـیـزـ نـفـرـتـ دـاشـتـ بـایـنـ اـمـرـ تـوـجـهـ یـسـافـنـدـ کـهـ «استـقلـالـ» آـنـهـ،ـ نـوـعـیـ وـابـسـتـگـیـ درـ نـظـامـ جـدـیدـ اـسـتـعـمـارـیـ اـسـتـ وـ اـمـرـیـالـیـسـتـهـایـ جـهـانـخـوارـ بـوـیـزـهـ اـمـرـیـکـاـ،ـ بـشـیـوهـهـایـ دـیـگـرـ مـوـجـوـدـیـ وـ «آـرـادـیـ» آـنـاـنـ رـاـ دـارـمـ بـشـامـ ۱۹۷۲ـ.

شـورـشـ ۱۳ـ مـارـسـ ۱۹۷۲ـ مـیـلـادـیـ درـ مـنـامـهـ یـکـیـ اـزـ دـرـخـشـانـ تـرـیـنـ حـرـکـتـهـایـ مـرـدـ بـحرـینـ بـدـنـبـالـ اـعـطـایـ اـسـتـقلـالـ قـلـابـیـ سـارـمـانـ مـلـلـ مـسـتـحدـ بـودـ.

اـگـرـ آـنـرـورـ گـارـ کـهـ حـرـبـ مـلـتـ اـیرـانـ باـ شـناـختـ دـرـسـتـ درـ مـوـرـدـ کـنـنـدـهـ مـهـ آـزـادـیـهـایـ مـرـدـ بـنـظـمـهـ خـلـیـجـ فـارـسـ بـودـ درـ دـاـخـلـ اـیرـانـ بـهـ بـخـالـفـ بـرـخـاستـ وـ بـسـیـارـ قـاطـعـ وـمـنـطـقـیـ درـ سـهـ بـنـدـ،ـ رـوـشـ کـرـدـ آـنـچـهـ رـاـ دـیـگـرـانـ حـتـیـ اـزـ بـیـانـشـ درـ آـنـ رـوـزـ گـارـ بـاـ وـحـشـتـ دـاشـتـ بـیـاـنـدـ یـاـ کـوـتـاهـیـ مـیـکـرـدـنـ:ـ ۱ـ بـلـقـلـ فـشارـ وـ اـخـتـنـاقـ وـ حـیـسـ وـشـکـنـجـهـ وـسـخـتـگـیرـهـایـ هـمـهـ جـانـبـهـ،ـ هـیـچـگـونـهـ آـزادـیـ درـ اـیرـانـ وـ مـحـرـقـ لـبـرـیـزـ اـزـ مـبـارـزـانـ ضـدـ اـسـتـعـمـارـیـ اـسـتـ بـلـکـهـ بـهـ تـعـدـادـ کـشـیرـیـ اـزـ رـزـمـدـگـانـ بـحـرـینـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـوـهـهـایـ اـبـهـامـ گـارـ،ـ نـهـ تنـهاـ یـکـیـ اـرـادـیـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ اـیرـانـ اـسـتـ وـ نـهـ دـسـتـگـاهـ آـلـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ اـیرـانـ اـسـتـ وـ نـهـ دـسـتـگـاهـ آـلـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ اـیرـانـ اـسـتـ وـ نـهـ دـسـتـگـاهـ آـلـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ اـیرـانـ اـسـتـ وـ نـهـ دـسـتـگـاهـ آـلـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ اـیرـانـ اـسـتـ وـ نـهـ دـسـتـگـاهـ آـلـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ اـیرـانـ اـسـتـ وـ نـهـ دـسـتـگـاهـ آـلـ خـلـیـ عـلـیـ عـرـبـ «ـفـراـهـ نـشـدـ بـلـکـهـ بـحـرـینـ بـگـونـهـ یـکـیـ اـرـایـگـانـهـایـ اـمـرـیـالـیـسـمـ یـاـ کـشـیدـهـ اـسـتـ بـهـ جـزـیـرـهـ سـنـتـ هـلـنـ تـبـعـیدـ شـدـهـانـدـ وـ بـهـمـیـنـ دـلـیـلـ مرـدـ بـحـرـینـ نـیـزـ نـمـیدـانـدـ درـ چـهـ دـسـیـسـیـ اـزـ مـنـامـهـ وـ مـهـمـهـ تـصـورـاتـ بـرـخـیـ اـرـ گـرـهـانـدـ،ـ بـعـارـتـ دـیـگـرـ نـهـ هـیـاتـ حـاـکـمـهـ اـیـرانـ نـمـایـنـدـهـ مـلـتـ ا

## آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

### انقلاب و کارگران کشاورز

بررسی دست اندر کاران وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفت و پس از تلاش‌های بسیار، قانون کار کشاورزی جدید تنظیم و در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۸ از تصویب شورای انقلاب گذشت و بمورد اجراء گذاشده گردید.

قانون جدید کلیه کارگران شاغل در بخش کشاورزی را زیر پوشش خود آورد، ساعت کار روزانه آنان به هشت ساعت تقلیل داده شد و برای کار اضافی دستمزد اضافی تعیین گردید، سایر مزایای رفاهی از قبل تعطیلات، منصوبیت سالانه مانند سایر کارگران کشور در نظر گرفته شد، اخراج کارگران تحت ضابطه‌های جدید درآمد، بشکلی که در چنین هنگام با توجه به سن، سابقه، و دستمزد و شمار خانواده از خسارت برخودار میگرددند.

شورای عالی کار کشاورزی تشکیل گردید و دستمزد کارگران کشاورزی با توجه به این که در شهر زندگی نمیکنند برای نخستین بار تعیین و از ۱۳۵۹/۴/۱ مبلغ ۵۸۵ ریال در بخش کشاورزی را در بر میگرفت و بکلی نارسا، یکطرفه و بسیع رمین داران بزرگ و سرمایه‌گذاران در بخش کشاورزی بود.

در این قانون، کارگر کشاورز اجبار بهده ساعت کار در روز، داشت و برای کار اضافی نیز دستمزدی دریافت نمی‌نمود. این قانون مراحت، تعطیلات و سایر مزایای رفاهی را برای کارگر کشاورز در نظر نمی‌گرفت.

قانون ذکر گردیده بود که

وضع فلاکت بار این نیروی انسانی گسترده که بتدربی نام کارگر کشاورزی به آنها داده شده بود سرانجام نظام پیشین را بهمه استنام گزینه پروریها، ناگیری به ظاهر سازی جدیدی کرد و در سال ۱۳۵۳ مصادرت به تدوین و تصویب «قانون کار کشاورزی» نمود، قانونی که سرما نقص بود، قانونی که حتی قانون کار باهمه نارسانی‌ها در برابر آن قانونی کامل جلوه میکرد.

چنین قانون پر از نقصی

میباشد روایط کار را میان کارگر و کارفرمای بخش

کشاورزی تنظیم نماید.

این قانون قسمت عمده

کارگران کشاورزی را زیر پوشش خود نداشت و کوچکترین حمایتی از آنها نمیکرد زیرا طبق ماده یک آن فقط واحدی کشاورزی مکانیزه و کشت و صفت‌های دولتی را شامل میشود.

این قانون بطور دقیق شاید

یک دهم از کارگران شاغل

در بخش کشاورزی را دربر

میگرفت و بکلی نارسا، یکطرفه

و بسیع رمین داران بزرگ

و سرمایه‌گذاران در بخش

کشاورزی بود.

در این قانون، کارگر کشاورز

اجبار بهده ساعت کار در روز،

داشت و برای کار اضافی نیز

دستمزدی دریافت نمی‌نمود.

این قانون مراحت،

تعطیلات و سایر مزایای

رفاهی را برای کارگر کشاورز در نظر نمی‌گرفت.

گرچه در ماده پانزده این

قانون ذکر گردیده بود که

هر ساله برای کارگر کشاورز

می‌باید حداقل دستمزد تعیین

گردد ولی دست اندک کارخان خود

فروخته حتی برای یک باره

از زمان تصور و اجرای آن،

حداقل دستمزد را برای این

ستمده‌ترین کارگران ایرانی

تعیین نکرده بودند و قدرت و

سرمایه کارفرمایی همه جا حکومت

میکرد و بازاریتین قیمت بهترین

پیزدیر و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای

از مردمی است که از آن

برخوردار هستند، انتخاب

نمایندگان کارگران با توجه به

طبیعت کار در واحدی کشاورزی

کشاورزی با شرایط ساده‌ای انجام

می‌بیند و زوی هم رفته میتوان

گفت تصویب «قانون کار

کشاورزی» جدید گام مثبتی

است در راه تحقق خواسته‌ای



## نکته‌ها

در خبرها آمده بود که یکی از اهالی کرد ساکن روتایی که هفته پیش هلیکوپتر رئیس جمهور در آن سقوط کرد، عینک مفقود شده ایشان را به تهران آورد و در محل نخست وزیری، ضمن دیدار از راه آغازی بمنی صدر، تقدیم نمود. این روتایی که حدود پنج سال است بیکار میباشد، طی نامه‌ای از رئیس جمهوری در خواست کار میکند و آقای بنی صدر هم به استاندار کرمانشاه دستور میدهد که این شخص بعنوان معلم در روتایی خود استخدام شود و ضمناً سربرستی کار لوله کشی روتایی را بمنی صدر قرار است مقدماتش فراهم شود، بعده بگیرد.

ظریفی پس از خواندن این خبر گفت: «اگر بیکار نبودم و در آمد کافی داشتم، سه میلیون عینک برای رئیس جمهوری میخریدم، شاید از این طریق مشکل بیکار و سیله آقای رئیس جمهور حل میشود.»

## روزها بر مردم چگونه میگذرد؟

باز هم باید بسراح کارنامه رئیس جمهور برویم و این بار بینیم که روزها بر مردم چگونه میگذرد.

در کارنامه روز شنبه بیست و پنجم مردادماه رئیس جمهور آمده است:

«... نزدیک ساعت نه، با هلیکوپتر به کرمانشاه برگشت... و آنوقت به جلسه علمای شهر رفت. علمای شهر مسائی داشتند که مطرح کردند و ... بعد مسئله پاکسازی در ادارات مطرح شد که گفتم کسانی را که مصلحت هستند پاکسازی نکنند و غیر مصلحها و ناپاکها را پاکسازی کنند و از این جهت نگرانی داشتند و بعضی میگفتند وضع ارزاق شهر، وضع نان و میوه و اینها خوب نیست و گران است. بعد در دادگاهها، میگفتند که عده‌ای هستند که دخالت میکنند و از یک محکوم نیم ساعته «آقای رازیزاده» حاکم شرع، صحبت کردند - البته یک سندی هم بینظر من رسانده شد - در این مجلس نبود، در چای دیگر - یازده نفر فهرست بود و زیر آن نوشته شده بود «ده نفر بالا را اعدام کنید». این سند حکایت داشت که قاضی توجه نکرده که یازده نفر در لیست هستند، و نه ده نفر. البته بمن گفتند که حتی پرونده و این حرفاها هم برای این یازده نفر تشکیل نشده، تمام پرونده‌شان همین یک ورقه است. البته باید پک کسی را فرستاد تا تحقیق جدی بکند.»

## حقوق کلیه کارکنان دولت در مهاباد و بوکان، قطع شد

استاندار آذربایجان غربی در هفته گذشته نامه‌ای به مدیر کل امور اقتصادی و دارائی آن استان نوشت که متن آن چنین است:

«سم الله الرحمن الرحيم - چون متأسفانه در حال حاضر هیچ‌گونه کترل روی جریان امور اداری و دولتی شهرستان مهاباد و بخش بوکان وجود ندارد و عوامل ضد انقلاب در تمام سازمانها و ادارات دولتی نفوذ پیدا کرده و با استفاده از بودجه دولت جمهوری اسلامی، بر علیه آن اقدام میکنند و به لحاظ عدم امنیت برای مقامات استان نیز امکان عزیمت به آنجا و کنترل امور موجود نیست، لذا از این تاریخ تا اطلاع ثانوی از پرداخت هر گونه وجهی به کلیه ادارت و سازمانهای دولتی و نهادهای وابسته در مهاباد و بوکان خودداری و حقوق کلیه افراد دولتی آنها قطع گردد.»

این اولین بار نیست که کارکنان دولت در این منطقه از کشور ما دچار ستمگری دست اندکاران حکومتی میشوند، آنهم به ذلیل‌هایی که حکایت از ضعف مدیریت و عدم کارآئی این کار بدستان میکند.

جا دارد گوشزد شود، قطع حقوق کلیه کارمندان، به این اتهام که عنصرهای ضد انقلابی در میان آنها نفوذ کرده‌اند، نه تنها دشواری را حل نخواهد کرد، سهل است که وفاداران به انقلاب را نیز ناگزیر بسوی ضد انقلاب سوق خواهد داد.

## شش شرکت خدمات هوایی، ملی و در هم ادغام شدند.

بنابراین نامه‌ای: شرکت هوایی ایران - پارس ایر - ایر سرویس - هر آسمان - هلیکوپتر ایران - و هلیکوپتر سرویس، ملی اعلام شد و کلیه دارائی و تعهدات این شرکتها در یکدیگر ادغام و زیر پوشش شرکتی بنام «شرکت خدمات هوایی کشور» که بصورت دولتی اداره خواهد شد، قرار گرفت.

کلیه سهام این شرکت به دولت تعلق خواهد داشت و وزیران امور اقتصادی و دارائی، راه و ترابری و دفاع ملی، نمایندگی دولت را در شرکت مزبور بعده خواهد داشت.

## بنی صدر: شرایط محاکمه در اسلام را رعایت کنید

ابوالحسن بنی صدر هفته گذشته ضمن دیدار با جامعه روحانیت کرمانشاه و برسی مسائل و مشکلات استان، در مراسم نیایشی که از طرف جامعه روحانیت کرمانشاه برگزار شد بیو، شرکت کرد، در این مراسم، رئیس جمهوری ضمن اشاره به بیام امام به قضات و مسؤولیت‌های دادگاهی اتفاق گفت: «من بنام دین از قضات و مسؤولان دادگاهی اتفاق گیخواهم به گرد اکارهای انتقام جویانه نگرددند و شرایط محاکمه در اسلام را، رعایت کنند و خصوصاً اتهامات غیر قابل اثبات را بهانه تهدید و ممنوعیت قرار ندهند.»

رئیس جمهوری در ادامه سخنان خود گفت:

«اگر بیکار نبودم و در آمد کافی داشتم، سه میلیون عینک برای رئیس جمهوری میخریدم، شاید از این طریق مشکل بیکار و سیله آقای رئیس جمهور حل میشود.»

## قطع رابطه با جمهوری شیلی، قدمی مثبت در راه سیاست انقلابی ایران

هفته گذشته وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، طی پاداشتی از کاردار سفارت جمهوری شیلی در تهران خواست که ظرف پانزده روز سفارت خود را در تهران تعطیل و کلیه اعضا خود از ایران خارج نماید. بهمین مناسبت اطلاعیه زیر از سوی وزارت امور خارجه انتشار یافت:

«از آنجاییکه استقرار عدالت در سراسر جهان و رعایت احترام به ارزش‌های والای انسانی در تمام کشورها مورد توجه خاص جمهوری اسلامی ایران میباشد و اعتقدات و اعمال حکومت شیلی مغایر با این اصول است و دولت این کشور سالها است که سیاست سرکوب و اختناق مردم شیلی را ادامه میکند و این امر با مبانی و اصولی که دولت جمهوری اسلامی ایران بدان معتقد است، منافات دارد و از آنجاییکه پشتیبانی از تمام مستضعفان جهان از اصول سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران است، لذا دولت جمهوری اسلامی ایران موجبی برای ادامه مناسبات سیاسی با حکومت شیلی نمیدد و به همین دلیل تصمیم گرفت که از تاریخ ۱۳۵۹/۰۵/۲۵ روابط سیاسی و کنسولی خود را با جمهوری شیلی قطع نماید.»

## عامل‌های اصلی انقلاب گچساران را معرفی کنید

در ساعت شش بعدازظهر روز دوشنبه بیست و هفتم مرداد ماه، در قریبای از بخش باشی، بنام ده بزرگ، بعلت سهل انگاری دست اندکاران، بیش از نو شده بود «ده نفر بالا را اعدام کنید». این سند حکایت داشت که قاضی توجه نکرده که یازده نفر در لیست هستند، و نه ده نفر. البته بمن گفتند که حتی پرونده و این حرفاها هم برای این یازده نفر تشکیل نشده، تمام پرونده‌شان همین یک ورقه است. البته باید پک کسی را فرستاد تا تحقیق جدی بکند.

ابوالحسن بنی صدر، هفته گذشته در جمع اعضا بنیاد فرهنگی امام و بنیاد مستضعفان شیراز طی سخنانی عملکرد های بنیاد همکاری ندارد، همین دلیل براین است که نسبت به آن عمل سابق پشمیان شده و توجه کرده. بنابراین در عین حالی که باید امر تصفیه اجراء شود و افراد توطنده گر پاکسازی شوند، ولی باید موظف باشند مغزهای پر از ارضی که در کشور هست تصفیه نشوند و از کشور خارج نگردند.»

## از خبرهای هفته مغزهای پر از را تصفیه نکنید

حضرت آیت الله حسینعلی منتظری، پنج شنبه گذشته، در پایان دیدارشان بالامام خمینی، در یک گفتگوی اختصاصی باخبرگزاری پارس در مورد پاکسازی و تصفیه در ادارت اظهار داشتند:

«تصفیه ادارت کار خوبی است و میباید انجام بشود. ولی مساله‌ای که بدان باید توجه کرد اینکه ایشان ممکن است یک دکتری باشد متخصص در یک رشته خاص که کمتر نظریش در ایران هست. فرض کنیم در سابق تصادفاً یک مقامی یا یک مدلی داشته، اما بعد از انقلاب کار او خیلی نمایان است که مشغول کار پژوهشی اش بوده و هیچ وقت با گروههایی که خد اتفاق و مشغول توطنده هستند همکاری نکرده بلکه با آنها هم مخالف است و تنها بکار طابت خودش مشغول میباشد. و فرضی یک گناهی در سابق داشته و هم اکنون هیچ توطنده همکاری باشد اتفاق ندارد، این فرد گرانقیمتی را از دست داده ایشان فرد گرانقیمتی، چون سرمایه‌ای با ارزش، از کشور ما خارج میشود.»

ایت الله منتظری در ادامه سخنان خود افزودند: «ما میدانیم خداوند تبارک و تعالی توبه را قبول میکند. و قتنی که عمل این شخص با جمهوری اسلامی همکاری میکند و با توطنده گران همکاری ندارد، همین دلیل براین است که نسبت به آن عمل سابق پشمیان شده و توجه کرده. بنابراین در عین حالی که باید امر تصفیه اجراء شود و افراد توطنده گر پاکسازی شوند، ولی باید موظف باشند مغزهای پر از ارضی که در کشور هست تصفیه نشوند و از کشور خارج نگردند.»

**بنیاد مستضعفان، از ابتدای یک اشتباه ارزیابی بود**

ابوالحسن بنی صدر، هفته گذشته در جمع اعضا بنیاد فرهنگی امام و بنیاد مستضعفان شیراز طی سخنانی عملکرد های بنیاد مستضعفان را مسود انتقاد قرار داد و گفت: «تاسیس بنیاد مستضعفان از ابتدای یک اشتباه ارزیابی بود، چراکه گمان میرفت این بنیاد ثروت‌های بدبست آمده از رژیم گذشته و طاغوتیان را قادر خواهد بود که در جهت اهداف محرومین جامعه و بنفع آنها بکاراندازد و دیدم که چنین نکردن. هرچند که دستگاههای مصادره شده به گونه‌ای نبود که در ابتدای امر بهره دهد، اما انتظار میرفت که با کارداوم، چنین موردی تحقق پذیرد.»

وئیس جمهور در ادامه سخنان خود افزود: «این بنیاد از روز اول تاکنون بدارده شده. از سوی امام هم هیاتی مامور رسیدگی به آن گردیده و تاکنون هشتصد پرونده هم تهییه کرده است و بر مسلم شده است که مستضعفین تاکنون از این بنیاد مستضعفان از ابتدای یک اشتباه ارزیابی بود، چراکه گمان میرفت این بنیاد خیری ندیده است و حتی این بنیاد برای آنها آبی هم گرم نکرده است.»

## زندگی مبتکرین و مختار عین، تأمین خواهد شد.

بنظور تشویق و حمایت مبتکرین و مختار عین، لاحدای از سوی شورای انقلاب تصویب شد که براساس آن زندگی مختار عین و مبتکرین، تأمین خواهد شد. در این لایحه آمده است: «... بنظور تشویق مبتکرین و مختار عین، کلیه کسانی که در ایران اختراج تازهای عرضه نمایند و حاضر باشند اختراع خود را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهند، در صورتیکه اهمیت و سودمند بودن آن مورد تأیید وزارت صنایع و معادن قرار گیرد، از حمایت دولت برخوردار خواهد شد و زندگی آنها از هر جهت تأمین میشود.»

نحوه تأمین زندگی، طی این نامه خاصی تعیین خواهد شد که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

- در رابطه با لایحه بالا توجه شما را به قسمتی از کار نامه روز دوشنبه سیزدهم اردادهای رئیس جمهوری که در شماره ۳۳۰ روز دوشنبه بیست و هفتم ارداد ماه روز نامه انقلاب اسلامی چاپ شده است جلب میکنیم. رئیس جمهوری در کارنامه خود مینویسد: «.... بعد گروهی از تلویزیون آموزشی آمده بودند و از من میخواستند که سسئله‌ای را دیو تلویزیون را جدی تر بگیرم. آنها جورا دیو و تلویزیون را از میان نگهبانان از خواهد شد و زندگی آنها از هر جهت تأمین میشود.»

که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

- در رابطه با لایحه بالا توجه شما را به قسمتی از کار نامه روز دوشنبه سیزدهم اردادهای رئیس جمهوری که در شماره ۳۳۰ روز دوشنبه بیست و هفتم ارداد ماه روز نامه انقلاب اسلامی چاپ شده است جلب میکنیم. رئیس جمهوری در کارنامه خود مینویسد: «.... بعد گروهی از تلویزیون آموزشی آمده بودند و از من میخواستند که سسئله‌ای را دیو تلویزیون را جدی تر بگیرم. آنها جورا دیو و تلویزیون را از میان نگهبانان از خواهد شد و زندگی آنها از هر جهت تأمین میشود.»

زمنیهای فنی، برخورد با کارمندان و کارگران در آنجا، مطلبی را با من در میان گذاشتند. یک مورد مهندس..... که من او را نمیشناسم بود که میگفتند دستگاهی ساخته و در زمان رژیم سابق، بمناسبت ساختن این دستگاه جایزه گرفته و حالاً بمناسبت همان جایزه، پاکسازی شده است.....»